ادامه از صفحه اول

نگاهی به ۱۳ دوره انتخابات

دوره نهـم انتخابـات ریاسـت‌جمهوری برای اولین‌بار به دور دوم بین آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و محمود احمدی‌نژاد کشـیده شد؛ تعداد واجدان شـرایط رأی ۴۶میلیون‌و ۷۶۸هزارو ۴۱۸ نفر شـد که بـا درصد مشـارکت ۶۲،۸ درصـدی دور اول آیت‌الله هاشـمی با شـش‌میلیون‌و ۱۹۰هزارو ۱۲۲ رأی و آقـای احمدی‌نژاد با پنج‌میلیون‌و ۷۱۸هزارو ۱۲۹ رأی وارد دور دوم شـدند. در دور دوم درصـد مشارکت با افت سه‌درصدی به ۵۹،۸ درصد رسید و از میـان ۲۷میلیون‌و ۹۵۸هـزارو ۹۳۱ نفر آقای محمود احمدی‌نژاد با ۱۷میلیون‌و ۲۴۸هزارو ۷۸۲ رأی به ریاست‌جمهوری رسـید. در انتخابات دوره دهم که در ۲۲ خرداد سـال ۸۸ برگزار شد، تعداد واجدان شـرایط به ۴۶میلیون‌و ۱۹۹هزارو ۹۹۷ نفر رسـید و میزان مشارکت ۸۴،۸۳ درصد بود و آقای محمود احمدی‌نـژاد با کسـب آرای ۲۴میلیون‌و ۵۲۷هـزارو ۵۱۶ رأی بـه ریاسـت‌جمهوری دوره دوم خود رسید. تعداد شرکت‌کنندگان ۳۹میلیون‌و ۱۶۵هـزارو ۱۹۱ نفر بود و حوادث سـال ۸۸ در این انتخابـات اتفاق افتـاد. انتخابـات دوره یازدهم با رد صلاحیت آیت‌الله هاشـمی‌رفسـنجانی شـرایط ویـژه‌ای به خـود گرفت و واجدان شـرایط در این دوره به ۵۰میلیون‌و ۴۸۳هزارو ۱۹۲ نفر رسـید که با مشـارکت بالای ۷۲،۷ درصد آقای دکتر روحانی با کسـب ۱۸میلیون‌و ۶۱۳هزارو ۳۲۹ رأی و ۷۱،۵۰ درصـد از کل آرای مأخوذه به ریاسـت‌جمهوری رسـید. انتخابات دوره دوازدهم در ۲۹ اردیبهشت سـال ۹۶ برگزار شـد. واجدان شـرایط رأی در این دوره به ۵۹میلیون‌و ۴۱۰هزارو ۲۳۴ نفر رسـید که مشـارکت بالای این دوره بـه ۷۳،۷ درصد یعنی یک درصد بیشتر از دوره یازدهم رسید و آقای دکتر روحانی بـا ۲۳میلیون‌و ۶۳۶هـزارو ۳۵۲ رأی که ۵۷،۱۴ درصد از آرای مأخوذه را به خود اختصاص داده بـود، به ریاسـت‌جمهوری رسـید. ملاحظه می‌شود در ادوار گذشته انتخابات ریاست‌جمهوری آرای مردم همیشـه بالای ۵۰ درصد بوده است و اگر در دوره دوم ریاسـت‌جمهوری رؤسای جمهور درصد مشـارکت پایین‌تر از دوره اول بوده، به‌لحاظ اطمینان از انتخاب رئیس‌جمهور مسـتقر، عده‌ای در انتخابات شـرکت نکرده‌اند؛ اما انتخابات دوره سیزدهم به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد که باید واکاوی شود که چرا برای نخستین‌بار عدد شرکت‌کنندگان به زیر ۵۰ درصد رسیده است. اگر آرای باطله یعنی سه‌میلیون‌و ۷۲۶هزارو ۸۷۰ رأی یعنی ۱۲،۸ درصد از آرای مأخوذه را هم به حسـاب عدم شـرکت در انتخابـات فرض کنیم، با تأسـف بایـد گفت عملا ۵۸ درصد از واجدان شـرایط در انتخابات شرکت نکردند. سـوی دیگر واقعه شرکت‌نکردن مردم در انتخابات دوره سیزدهم که از دوره یازدهم انتخابات مجلس شـروع شـد، به انتخابات شورای اسلامی شهر و روسـتا که اتفاقا صد درصد در اکثر مناطق کشور قومی و قبیله‌ای است، خطرناک است. مردم حق دارند وقتی هفت نفر کاندیداها از فیلتر سخت شورای نگهبان گذشـته‌اند که بنا بر تشخیص این شـورا از رجال سیاسی کشور و مدیر و مدبر هستند که بنا به مصوبه بحث‌انگیزه اخیر شورای نگهبان دارای رتبه مدیریت کلان اداره کشـور در سال‌های گذشته‌اند، جملگی از فسـاد، نابرابری و اوضاع بد اقتصادی می‌گویند و زمانی که در مناظره‌ها خطاب به بعضی از کاندیداها صفت پوششی داده می‌شود و کاندیدایی که به تشخیص شورای نگهبان مدیر و مدبر است، به‌صراحت پوششی‌بودن خود را پنهان می‌کند و ساعت‌ها وقت رادیو و تلویزیون را می‌گیرد و مردم را در ستادهای خود به حضور در انتخابات و رأی‌دادن ترغیـب می‌کند، اما ناگهان به نفع یکی از کاندیداها انصراف می‌دهـد و با تعجب رادیو و تلویزیون با وجود انصراف کاندیدای منصرف‌شده از حضور در انتخابات، فیلم تبلیغاتی او را در بهترین زمان تلویزیون و پربیننده‌ترین ساعات خود نمایش می‌دهـد و قانون با توجه بـه انصراف کاندیدا باید فیلم را پخـش نکند، پخش می‌کند، فیلمی که در آن متعرض دیگر کاندیداها هم شـده بود و از نظر منطـق حقوقی باید این حـق را به کاندیدای دیگر داد تا پاسخ او را بدهند. عوامل مختلفی باعث شد صندوق‌های رأی با عدم اقبـال این‌چنینی روبه‌رو شـوند. چه باید کرد؟ می‌توان نیمه پر لیوان را دید و گفت انتخابات اسـت و کسی که نصف به علاوه یـک آرای شـرکت‌کنندگان را در سـبد آرای خود دارد، رئیس‌جمهور همه مردم و کشـور اسـت و از نظر منطق حقوقی درسـت اسـت. آیا می‌توان واقع‌بینانه‌تـر به موضوع نگاه کرد و گفت شـرایط ایران حسـاس و منحصربه‌فرد اسـت و هم‌اکنون در وین تیم مذاکره‌کننده ایران در مقابل گروه چهار به علاوه یک مشـغول مذاکره به‌اصطلاح برجامی هسـتند و از عمر دولتی که تیم مذاکره‌کننده به آن وابسته است، زمان کمی باقی مانده و اگر مذاکرات به دولت منتخب بعدی برسـد، نگاه به سبد آرای رئیس‌جمهور منتخـب در تصمیم‌های متخذه در برجـام تأثیر نمی‌گذارد؟ در مـورد داخلی هم این پرسـش پیش می‌آیـد که وقتی بیـش از نیمی از جمعیت واجد شـرایط رأی در انتخابات شـرکت نکرده‌انـد، به این جمعیت از چه منظری باید نگاه کرد؟ افراد بی‌علاقه به سرنوشت خود یا مخالفان خاموشی که چون خاکستر زیر آتش نظاره‌گر اوضاع و احوال پیرامون خود هسـتند. خدا نکند حوادثی از قبیل بی‌برنامگـی در افزایش قیمت بنزین پیش آید که در آن موقع باید گفت: به خدا پناه می‌بریم.

گفت‌وگوی احمد غلامی با سعید لیلاز درباره چشم‌انداز سیاسی ایران

بناپارتیسم ایرانی

عکس: مرتضی عارف، جماران

پیش از انتخابات ریاسـت‌جمهوری بود که افشـای فایل صوتی گفت‌وگوی سـعید لیلاز بـا محمدجواد ظریف در آسـتانه انتخابـات جنجال‌آفرین شـد. برخی بـر این باورند که افشـای ایـن فایل صوتی موجب کناره‌گیری ظریف به‌عنوان یکی از نامزدهای انتخاباتی شده اسـت. عامدانه در گفت‌وگو با سعید لیـلاز به این بحث ورود نکـردم؛ چراکه پیش از این لیلاز با سخنانی درباره ظهور بناپارتیسم خبرساز شده بود و بسـیاری از اصلاح‌طلبان و حتی نزدیکانش به مخالفت با او برخاسته بودند با این تصور نادرست که او بناپارتیسم را معادل نظامی‌گری می‌داند. از این‌رو با سـعید لیلاز درباره مفهوم «بناپارتیسـم» گفت‌وگو کـردم؛ چراکه بـاور دارم این «مفاهیم» هسـتند که شرایط را می‌سـازند یا تغییر می‌دهند و افشاگری‌ها از نوع افشای فایل صوتی ظریف در آستانه انتخابات بیش از هر چیز جنبه تخریبی دارد و موجب برهم‌زدن و تأخیر در یک روند تاریخی می‌شـود و در عین حال، برای روشن‌شـدن مفهومی که او از بناپارتیسم مراد می‌کند و در خلط بحث اخیر از دسـت رفته اسـت. بنابراین سراغ موضوع جنجالی فایل صوتی نرفتیم تا ببینیم روند سیاست در ایران، ما را به کجا خواهد برد.

پیش از ایـن در مصاحبه‌ای گفته بودید دولت ایران به سـوی بناپارتیسم می‌رود که این گفته با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شـد؛ ازجمله از سوی اصلاح‌طلبان. راستی چه سالی برای اولین‌بار این ایده را مطرح کردید و الان چگونه فکر می‌کنید؟

فکـر می‌کنـم اولین‌بار سـال ۱۳۹۶ بـود که در جمعی ایـن بحث را مطـرح کردم. اول نـزد آقای خاتمـی و بعد هـم در محفل دیگـری و کم‌کم این را پیـش بـردم. در فروردیـن ۹۷ در مصاحبـه‌ای که منتشـر نشـده و نزد آقای مهدی الیاسـی است، پیش‌بینـی کردم که فروپاشـی جمهوری اسـلامی بر اثر فشـار آمریکا صـورت نخواهد گرفت و اقتصاد ایـران می‌تواند از ایـن دام فرار کند و بیـرون برود، ولـی همان‌جا توضیح دادم که مـن فکر می‌کنم در ایـران بناپارتیسـم حاکـم خواهد شـد. اولین‌بار در زمسـتان ۹۸ در مصاحبه با آقای علیـزاده در لندن بحث بناپارتیسـم را علنی کردم و رسانه‌ای شد، البته خیلی‌هـا به من حمله کردند و بیشترشـان از طریق دوسـتان اصلاح‌طلب بود. با همه احترامی که برای دوسـتان قائلم این را به‌خاطر بی‌سوادی می‌دانستم و اینکه ایدئولوژی معمولا چشـم‌های انسان را کور می‌کنـد؛ چون همه فکر می‌کردند که بناپارتیسـمی که من می‌گویم پیشـنهاد یا توضیح و توجیه اسـت، درحالی‌کـه اولا پیش‌بینـی مـن بود، ثانیـا همه به اشـتباه بناپارتیسـم را معادل نظامی‌گـری می‌دانند که این هم اشـتباه بزرگی اسـت. اتفاقا از چهار، پنج بناپارتی که تابه‌حال در تاریخ آمده، شـاید بیشتر آنها غیرنظامی هستند تا نظامی. یکی بناپارت اصلی بود، یکی برادرزاده‌اش بناپارت سوم. اینکه به‌عنوان رژیم بناپارتیسـتی معروف است، یکی کرنسکی بود که در آن چهار، پنج ماه منتهی به اکتبر ۱۹۱۷ نخسـت‌وزیر روسیه شد و یکی هم بیسـمارک بود که تا جایی که من یادم هسـت بیسمارک و کلنسکی نظامی نبودند. لویی بود و بناپارت بی‌ربطی بود. بنابراین بناپارتیسم را بـا نظامی‌گـری و میلیتاریسـم یکی‌گرفتـن خلط مبحث ناشـی از بی‌سـوادی یا غـرض‌ورزی نظری است. ما می‌خواهیم حرف علمی بزنیم.

معیارهایی که برای بناپارتیسـم در نظر داریم چیست؟

مارکس می‌گویـد رژیم بناپارتیسـتی وقتی پدید می‌آید کـه سـرمایه‌داری به بن‌بسـت رسـیده اما درعین‌حـال به قـول تروتسـکی، دموکراسـی هم زورش نمی‌رسـد کـه راه را باز کنـد. در این حال بر اثر کشـمکش طبقاتی کشـور به بن‌بسـت می‌رسد، بناپارتی بالای سـر کشمکش طبقاتی قرار می‌گیرد و کشـور را از فاز تاریخی به فاز دیگر می‌برد و خودش پی کار خود می‌رود. این رژیم بناپارتی دائمی نیست، یعنی چند مشـخصه دارد که توضیـح خواهم داد؛ اول اینکـه ناظر بر اقتصاد اسـت و من خـود را در امـر اقتصاد ایـران ذی‌صلاح‌تـر از خیلی‌های دیگر می‌دانم. این رژیم ناظر بر به‌بن‌بست‌رسـیدن اقتصاد ایران اسـت که الان ما در آن هسـتیم. دوم اینکه بر اثر یک رویکرد دوگانه پدید می‌آید. لنین و گروتسکی می‌گفتند این حالتی اسـت کـه دو طبقه اجتماعی با هم یک قدرت سیاسـی را به دسـت می‌گیرند به جـای اینکه یک طبقه باشـد، دو طبقه هسـتند که با هم به قدرت می‌رسـند. این حالـت که ماهیتش موقتی اسـت؛ یعنی چند ماه یا نهایت دو، سه سال. این وضعیـت نمی‌تواند طولانی باشـد، درحالی‌که در ایران ۳۳ سال اسـت که طول کشیده چرا؟ چون ما نفت داشـتیم و با نفت می‌توانسـتیم این وضع را ادامه بدهیـم و نقطه بروز و ظهـور تضادهایش را عقب بیندازیم. اگر سـاختار اقتصادی سیاسـی ایران را نشناسـید، نمی‌توانید این را تحلیل کنید. حالا چه اتفاقی برای نفت افتاده اسـت؟ بر اثر کرونا و فشـار حداکثـری ترامپ که وضعیت فعلـی ایران و نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری را محصول طبیعی فشار حداکثـری ترامپ در ایران می‌دانم و هم بر اثر تداوم حالت پیش‌گفتـه و کارهایی کـه از احمدی‌نژاد به بعد انجام شـد، نفت موضوعیت خود را در اقتصاد ایـران از دسـت داده؛ یعنـی تلاطم‌های ناشـی از افزایـش درآمدهای نفتی، دیگر قـادر به تأثیرگذاری تعیین‌کننده بر سـاختار سیاسـی ایران نیست. درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۵۶ حدود ۳۰ برابر سال ۱۳۴۶ بوده است. درحالی‌که برنامه سوم عمرانی را با ۶،۵ میلیارد دلار هزینـه تمام کردیم، ولی برنامه عمرانی پنجم، یعنی فقط با ۱۰ سـال عملکرد از ۶،۵ میلیارد دلار به بیش از صد میلیارد دلار افزایش پیدا می‌کند که همین تلاطم و فسـاد ایجاد می‌کند. این اتفاق در سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ می‌افتد؛ یعنی درآمد نفتی ایران از حدود هفت میلیارد دلار در سال ۷۷ به حدود ۳۴ میلیارد دلار در سـال‌های ۸۳ و ۸۴ می‌رسـد؛ یعنی دوباره تغییر سیاسـی ژرف و گذار از آقای خاتمی به آقای احمدی‌نـژاد را گریزناپذیر می‌کند. ما در سـال ۱۳۹۰، ۱۲۰ میلیارد دلار صادرات نفتی داشتیم، حدود ۲۵۰ میلیـارد دلار تزریق منابع نفتی رایگان به درون اقتصـاد ایران داشـتیم که معمولا دیده نمی‌شـود. من محاسـبه کرده‌ام اگـر حدود ۳،۷ درصد رشـد اقتصادی از تزریق ۳۵۰ میلیارد دلار در یک سـال به اقتصاد بگیریم، یعنی ۴۰ درصد آن اقتصاد مستقیم و غیرمستقیم منابع هیدروکربنی و نفت بوده است. من محاسبه کرده‌ام اگر بخواهیم دوباره آن ساختار نفتی ایران را مثل سال ۹۰ تکرار کنیم که همان ۳،۷ درصد رشد اقتصادی را به ما بدهد که برای حل چالش‌های ایران کافی نیست، باید قیمت نفت به بشکه‌ای ۲۵۰، ۳۰۰ دلار برسـد و بتوانیم روزی ۲،۵ تا سـه میلیون بشـکه هم صادر کنیـم که غیرممکن اسـت و تازه هیچ تأثیـری در اقتصاد ایران ایجـاد نمی‌کند، چون به‌قدری مشـکلات بزرگ در اقتصاد ایران انباشتگی پیدا کرده که برآورد می‌شـود به ۲۵۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار سـرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران نیاز داریم. آنهایی که دلشان را به خارج خوش کرده‌اند در واقع دلشـان را به تحولات سیاسی عمیقی‌خوش کرده‌اند که با وضع کنونـی چنین اتفاقی نخواهد افتاد. اصلا چنیـن پولـی وجود ندارد کـه ۴۰۰ میلیـارد پول در نفت ایران سـرمایه‌گذاری شـود. همین بحران برق و آب ایران که می‌بینید، بحران عدم سـرمایه‌گذاری اسـت؛ یعنی نرخ تشکیل سـرمایه که در نیمه دهه ۱۳۸۰ معادل ۳۵ تا ۴۰ درصـد GDP بود، پس‌انداز ناخالص، الان به کمتر از ۱۸، ۱۹ درصد رسیده. نصف شـده. یعنی چه؟ یعنی نرخ تشکیل سرمایه در دوره ۱۰سـاله باید بـه ۶۰ درصد GDP برسـد؛ عددی که در تاریخ بشـر بی‌نظیر اسـت. در دوره‌های کوتاهی در چیـن ۵۲ درصد بوده، بـالای ۵۰ درصد GDP را پس‌انداز می‌کرده، شـاید دوران قبل از انقلاب چهار، پنج سال این را تجربه کرده باشیم. با این مطالبات که الان ایران را گرفته، هیچ امکانی برای تشکیل سرمایه ندارید. بنابراین الان فقـط باید با چالش‌های لخت عموما اقتصادی و امنیتی مقابله کنید. در حرف‌های هیچ‌کـدام از هفـت کاندیـدا حرفـی از فرهنـگ، اجتماعیات، ارزش‌های اسلامی و حجاب اصلا وجود نداشـت. به حدی بحران‌های اولیـه رو آمده و اینها اساسـا ماهیت داخلی دارد. فرار سـرمایه، از همان اوایل دهه ۱۳۹۰ شـروع شـد و ربطی بـه تحریم‌ها نداشـت؛ بنابراین نقطه عزیمت من در بناپارتیسـم اقتصاد، رفتارهای دوگانه، بن‌بسـت در اداره کشور و موقتی‌بودن آن اسـت. موقتی‌بودن یعنی یک دولت گذار بناپارت، دولتی دائمی نیست. مأموریتی جز این ندارد که کشور را از بن‌بست خارج کند.

در واقع می‌تـوان گفت یکـی از ویژگی‌های بناپارتیسم تمرکز قدرت در دست...

در دسـت گروهی اسـت که خـودش را مافوق طبقات اجتماعی قرار می‌دهد، سـعی می‌کند دولت فراگیر تشکیل دهد.

در واقع می‌شود دولت فراطبقه‌ای.

و موقتی. دولت فراطبقه‌ای که نمی‌تواند دائمی باشـد. ویژگی این دولت بناپارت این اسـت که راه را باز می‌کند؛ مثلا در ایران جنبه‌های فرهنگی زیست و اجتماعی را رها می‌کند و یک انرژی عظیمی از ایران آزاد خواهد شد، چون تو برای شروع کار دستمایه‌ای نـداری. اوایل دهه ۱۳۵۰ وقتـی این بحث پیش آمد که می‌خواهیم سپاه دانش و بهداشت را به دختران تسـری دهیم، باور نمی‌کنید چـه ولوله‌ای در مردم بـه راه افتـاد و نزدیک بود انقلاب شـود. همین کار را بعد از انقلاب، انقلاب اسـلامی از طریق دانشگاه آزاد انجام داد، در تمام ایران تحت نظارت جمهوری اسـلامی، تردد دخترهای مجرد تنها آزاد شد. کاری کـه مشـروعیتش را کـه شـاه نداشـت، جمهوری اسـلامی آزاد کرد. می‌دانید که من یک انقلابی سال ۵۷ هسـتم، برخلاف آنچه الان و در دشمنان انقلاب اسـلامی گفته می‌شود که ما زن را بیچاره کردیم، زن وارد جامعه شـد و انقلاب عنصر زن را آزاد کرد. این کار را عینا بناپـارت در حوزه‌ای فرهنگی و اجتماعی انجام می‌دهد. ماجرای سـال ۸۸ نشـان داد بدون طبقه متوسـط و بدون تکنوکرات‌ها نمی‌توانیم ایران را اداره کنیم. من معتقدم روحانی مسـئول آشـتی طبقاتـی و مصالحه ملی بود. آمدند ببینند می‌توانند اداره کننـد کـه دیدند نمی‌شـود. حـالا الان طبقه متوسط را می‌خواهیم وسط بیاوریم، پولی هم نداریم کـه هزینه کنیم، مجبوریم برای شـروع از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی شـروع کنیم. پیش‌بینی من این اسـت که بناپارت ما جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را رها خواهد کرد، جنبه‌های اقتصادی را آزاد خواهد کرد، در سیاسـت خارجی تخاصم را به رقابت تبدیل می‌کند و تعامل.

در واقع می‌گویید چه چیزهایی را آزاد می‌کند.

بله، تنش‌زدایی می‌کند.

همان‌طورکه مثـال زدید گفتید در دوره قبل از انقلاب شاه مشـروعیت خیلی از کارها را نداشت و بعد از انقلاب این انرژی آزاد شـد و در سـطح جامعه اتفاقاتی افتاد.

همیـن کار را بناپارت انجـام می‌دهد؛ برای مثال برجـام و FATF را امضا خواهد کرد. اگر مصلحتش اجـازه دهد ۲۰۳۰ را امضا خواهد کرد. وارد تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد، از روابط خارجی تنش‌زدایی خواهد کرد و سیاسـت داخلی را محکم نگه خواهد داشت.

وضعیـت جناح‌های سیاسـی به چه شـکل خواهد شد؟

سـعی می‌کند آنهـا را محدود نگـه دارد. آنجا اعمال قدرت می‌کنـد که بتواند حاکمیـت یگانه را دوبـاره برقرار کنـد. در پایان آن تصـور می‌کنم وارد یـک سـاحل آرام می‌شـویم و به یک دموکراسـی هدایت‌شده خواهیم رسـید. سرنوشـت چیـن و روسـیه هم همین‌طور بوده. تمام انقلاب‌های بزرگ همین‌گونـه بوده‌انـد مثل مالـزی، ویتنام، فرانسـه بناپارت و آلمان بیسمارک.

سـؤالی پیش می‌آید؛ اگـر روابط تنش‌زدایی صـورت بگیرد، طبیعتا وضع مـا به لحاظ فروش نفت بالا مـی‌رود و بهتر می‌شـود. آیـا دوباره بازگشـت پـول نفت بـه داخل ایـران موجب تلاطمات تازه نمی‌شود؟

این نکته خیلی مهم است. موتور محرکه تحولات اجتماعی ایران را در صد سـال گذشـته چهار عنصر می‌دانم؛ اول مهاجرت، دوم رشـد جمعیت، سـوم نفـت و چهارم تخاصمات بین‌المللی که تخاصمات بین‌المللـی از نفـت درمی‌آید. به نظـرم نفت برای همیشـه هژمونـی‌اش را در تعیین‌کنندگـی اقتصاد ایران از دسـت داده؛ یعنـی اقتصاد ایـران در حال تبدیل‌شـدن بـه اقتصـاد الجزایر و اندونزی اسـت. ما یکـی از غیرنفتی‌ترین اقتصادهـای نفتی جهانی هسـتیم. ترامپیسـم و کرونا به این قضیه کمک کرد. سهم نفت در GDP جهان به‌شدت کاهش پیدا کرده و به جای آن آی‌تی آمده اسـت که در اقتصاد ایران هم به جای اینکه تردد داشـته باشید، سعی می‌کنید بـا کامپیوتر مسـائلتان را حل کنید؛ مثـلا در بخش آموزش و حتی بهداشـت مثل پزشک آنلاین. از اول هم پیش‌بینـی‌ام این بوده که هرگاه سـهم نفت در GDP ایران به کمتر از ۱۰ درصد برسـد اقتصاد ایران از دام نفت رها می‌شـود. اواسـط دهـه ۵۰ بـه ۵۵ درصد رسیده بود. پیش‌بینی من این نیست که درآمد نفتی ایران آن‌قدر بالا می‌رود که بتواند آن چالش‌ها را انجـام دهد. بله درآمـد افزایش پیدا می‌کند برای اینکه بتوانند یارانه را ادامه بدهند. اگر نبود دوباره قیمت نفت تعیین‌کننده تغییر کند حق با شماسـت و همـان تلاطم‌ها را ایجـاد خواهد کـرد. حالا من پیش‌بینـی می‌کنم کـه تعیین‌کننـده نخواهد بود ولـی هرگاه این اتفاق بیفتد دوباره سـر جای اولمان برمی‌گردیم. مرحوم دکتر حسـین عظیمی حقش در تاریخ اقتصاد معاصر ایران ادا نشـده اسـت، ایشان می‌گفت هر هفت، هشـت سـال یک بار یک تلاطم بـزرگ اجتماعی در ایران، ما را مثـل بازی مار و پله دوباره سر خانه اول برده و همه رشته‌ها را پنبه کرده اسـت و ریشه این تلاطم‌ها اقتصادی است. از ابتدای تاریخ نفت در ایـران، نفت عنصر تعیین‌کننده بوده و الان به هم خورده اسـت. ممکن است شماها کمتر در جریان کاری که آمریکایی‌ها کردند باشـید. در ۱۵ سـال گذشـته سـهم آمریکا در تولید نفت فسیلی در دنیا وحشـتناک افزایش پیدا کرده است، دراین‌باره در ایران خیلی صحبت نمی‌شود.

هم چین و هم آمریکا؟

آمریکا سریع‌تر از چین است. شیل‌اویل باعث شد آمریکا الان صادرکننده انرژی فسیلی در جهان است. ظهور ترامپ باعث شـد سهم زغال‌سـنگ در تولید انرژی جهان دوبـاره به ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده و این خیلی عدد بزرگی اسـت؛ یعنی نفت در دنیا در حال ازدست‌دادن هژمونی‌اش است و سهم ایران در نفت به‌شـدت کاهش پیدا کرده است. سیاست‌هایی که ما در ایران به کار گرفته‌ایم به جز تحریم‌ها، باعث شـده مثلا روزی شش میلیون بشـکه معادل نفت خـام تولید انرژی اولیه در ایـران داریم که فقط ۱،۵ تا دو میلیون بشـکه صادر می‌شـود، یعنی یک‌سوم تولید انرژی اولیه ایـران در بهترین حالت، صادراتی خواهد بود، درحالی‌که اگر بعد از کرونا مصرف نفت جهان روزانه ۱۰۰ میلیون بشـکه نفت در روز باشـد، ۱،۵ تا دو درصد متعلق به ایران اسـت و برای همه پوشش نیازهای ما کفایت نخواهد کرد. اگر آن تلاطم ایجاد شـود حتمـا تغییر خواهد کـرد. من معتقدم ماده بر اندیشـه مقدم است. اول قیمت درآمد نفت بالا رفت و بعد احمدی‌نژاد ظاهر شد و برعکس. در انتخابات ۸۴، هفت کاندیدا داشـتیم، همان زمان در روزنامه شما هم نوشتم که این هفت نفر سه گفتمان بیشتر ندارند. اول، گفتمان رشد و توسعه سیاسی که آقای معین می‌گفت. دوم، گفتمان توسعه اقتصادی که آقای هاشـمی می‌گفت. پنج نفـر دیگر هم یک حـرف می‌زدنـد و آن گفتمان «بـده بخوریم» بود و این گفتمان بازتاب رشـد درآمدهـای نفتی ایران بود و مـن در فاصله دور اول و دوم این را در روزنامه‌تان چاپ کردم کـه اگر حرف‌های این پنـج نفر را جمع کنید پیروز قاطع انتخابات هستند که در دور دوم هم همین اتفاق افتاد.

به بحث خوبی اشاره کردید. توسعه سیاسی و اقتصادی و عدالت به‌مثابه توزیع و «بده بخوریم» که آن هم عامل شرایط بوده است؛ یعنی گفتمانی کـه ایجاد شـده به‌دلیل درآمد اقتصـادی بوده است. بعد از روی کارآمدن دولت متمرکز وضعیت توسعه اقتصادی و سیاسی ما چطور خواهد بود؟

به نظم بناپارت ما چهار، پنج سال بیشتر نخواهد بود. آقای رئیسـی هم بناپارت نیست، مقدمه ظهور آن اسـت. به همین دلیل یک دوره چهار، پنج‌سـاله اتفاق خواهد افتاد و اسـتقرار کـه پیدا کند دوباره به حالـت تعادل برمی‌گردیم. همیـن الان هم در اروپا یکی از دولت‌ها گفتمان تولید و دیگری توزیع اسـت. دو جناح که در اروپا و آمریکا بیشـتر نداریم؛ بنابراین اینها که از بین نمی‌روند، تعدیل می‌شـوند. در غرب هم همین اسـت؛ معمولا هر هفت، هشت سال یک بار یکی روی تولید متمرکز می‌شـود و شـما به این ثبات می‌گوییـد. از آن حالت کـه بتواند تلاطم‌های شـدید ایجاد کند بیرون خواهد آمد و به اسـتقرار و ثبات خواهد رسید و راهگشا برای دوره جدید خواهد بود. چـون الان آرایـش طبقاتی ایران به بن‌بسـت رسیده است و نیروهای طبقات اجتماعی ایران حالت «که بر که» را نمی‌توانند خاتمه دهند و چون ما دیگر نفت نداریم به بن‌بسـت رسیده‌ایم. به قول تروتسکی بناپارتیسـم یعنی زمامدار سرنوشـت بـر فراز همه، دولت فراگیر ملی.

پـس تاکیـد کنیم کـه دولت آقای رئیسـی بناپارتیسم نیست.

به‌طورکلی ما از انتخابات مجلس یازدهم به بعد به این سمت می‌رویم.

پس ما در مسـیر این قضیه هستیم و درست آن، این اسـت که دولت آقای رئیسی دولت گذر است.

بله. بعد از پنج، شـش سـال به ثبات و استقرار می‌رسـد و ما از ایـن گفتمان بیـرون می‌آییم. اولا دنبال اسـم گشـتن برخورد هالیوودی اسـت؛ ما می‌خواهیم تحلیل علمـی کنیم. انگلس می‌گفت چرخ تاریـخ که به حرکت دربیاید اسـمش را پیدا خواهد کرد. شـاید الان پنج هـزار ناپلئون آماده به کار در ایـران داریم کـه از تعـداد ثبت‌نام‌کنندگان می‌توان فهمید. بعضی از دوسـتان ما این مباحث را نه خوانـده و نه فهمیده بودند. از سـال ۹۶ که من این قضیـه را پیش‌بینی کردم قدم‌به‌قدم به این سـمت می‌رویم؛ حتی عملکرد آقـای روحانی در دور دوم قبل از شـروع تحریم‌ها به این سمت‌گیری حرکـت کـرد. از زمـان پیـروزی در انتخابـات تا شورش‌های دی‌ماه ۹۶ آقای روحانی با کنارگذاشتن آقـای جهانگیـری و اصلاح‌طلبان سـعی می‌کرد برای حل منازعـات داخلی ایران به سـمت مرکز حرکت کند کـه هم جناح راسـت پذیرفت و هم ظهور ترامـپ به‌طورکلی بـازی را دگرگون کرد و در یک گام اساسـی به پیشبرد بناپارتیسم مدنظر ما کمک کرد. من درک نمی‌کنم چطور ممکن اسـت کسـی به‌عنوان یک ایرانی میهن‌پرسـت باشـد، یا اصلاح‌طلب و ضدآمریکایی نباشـد. آمریکا هرگاه در مسـائل ایران دخالت کرده به سمت فاشیسم و استبداد و دیکتاتوری و ضد اصلاحات دخالت کرده اسـت. معدود اصلاح‌طلبانی را کـه فکر می‌کنند از تنور آمریکا چیزی گرم می‌شـود، درک نمی‌کنم. الان دولت بایدن دقیقا در حال تزریق بناپارتیسـم و رادیکالیسـم به درون ساختار مناسبات اقتصادی و اجتماعی ایران است که این انتخابات هم محصول آن اسـت؛ وگرنه اگر قرار بـود خوش‌خیالی برخی از دوسـتانمان را داشته باشـیم که من همان زمان گفتم بایدن خیلی فرقی با ترامپ نخواهد داشـت، باید یک‌جانبه تمام تحریم‌های جدید آمریکا را لغو می‌کـرد و می‌گفت یک ماه وقـت می‌دهیم وگرنه دوباره برقرار خواهد شد. چه زمانی این کار را کرد؟ بر سـر هر حرکتی که می‌خواهد بکند هزار اشکال ایجاد می‌کند. چـرا؟ در مجموع، منافع ژئوپلیتیک ایـالات متحده آمریـکا در سراسـر خاورمیانه و نه فقط در ایران ابدا دموکراسی نیست و کسانی را که می‌گویند ما دموکرات هسـتیم اما آمریکامحوریم، درک نمی‌کنم. منافقین هم در همین ژانر هسـتند. در تلویزیون خود جوری جذب ایالات متحده آمریکا شده‌اند که انگار نه انگار محمد حنیف‌نژاد می‌گفت دشمن اصلی من آمریکاست. موقع انقلاب دشمن اصلی مصطفی تاجـزاده آمریکا بـود. وقتی ما از دیوار سفارت بالا می‌رفتیم مسئله‌مان آمریکا بود.

ادامه در صفحه ۴

روزنه

رئیس‌جمهور:
برای مشارکت ۴۸ درصدی دلایل من‌درآوردی نتراشید

ایسـنا: رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت گفت: جمهوریت رکن نظام اسـت و جمهوریت بـدون انتخابـات حاصـل نخواهد شـد. ما در انتخابـات و جمهوریت باید فضـا را باز کنیم و مردم را در آغوش بگیریـم. طردکردن مردم که هنر نیست. اینکه ۵۰ درصد یا ۳۰ درصد از مردم کـه علاقه به تفکر و جناحی دارند نباشـند، چه هنری اسـت؟ اگر ۳۰ درصد مـردم را کنار زدیم چـه خدمتی به کشـور، امنیت ملی و انسـجام ملی کرده‌ایـم؟ اینکه مردم نگـران، ناراحت و اندوهگین شوند، چه خاصیتی به نفع ما دارد؟

حسـن روحانی افزود: اینکه غصه می‌خوریم چرا مشـارکت ۴۸ درصد شده و مثلا ۵۸ درصد نشـده، یعنی مردم و صندوق رأی مهم هستند. اگـر در یـک دوره‌ای حضـور مـردم مقـداری کم‌رنگ بوده باید بررسـی و مشکل را حل کنیم و ایـن موضـوع نباید ادامه پیدا کند. مشـارکت ۴۸درصدی تنهـا باید یک بار در تاریخ باشـد و تکرار نشـود. از نظر من روشـن است که مشکل چه بوده اما به هر حال محققان، جامعه‌شناسان و سیاسـت‌مداران باید بنشـینند و بگویند که اگر مثلا این سه مشکل نبود مشارکت بیشتر می‌شد.

او عنـوان کـرد: البته نبایـد بی‌خودی دلایل مـن‌درآوردی بتراشـیم. مثـلا بگوییـم مـردم زندگی‌شـان سـخت بود و نیامدند. اتفاقا وضع مردم سیسـتان‌وبلوچسـتان که از همه سخت‌تر است، در آنجا مشارکت بیشتر بوده و در شهرهایی مشـارکت کمتر بوده که وضع زندگی‌شان بهتر اسـت. اینکه در خارج از کشور هم مشارکت کم بوده به خاطر وضع بد زندگی‌شان بوده است؟

روحانـی افزود: به هر حـال جنگ اقتصادی و کرونـا از عوامـل بـوده و یک‌سـری مسـائل دیگر هم بوده اسـت مثل شـیوه و نحوه‌ای که کاندیداهـا چیده شـدند اما به هر حـال نباید با نظـام و صندوق قهـر کنیم بلکه باید بنشـینیم برای انتخابات بعـدی این موضوع را حل کنیم. مشـارکت مردم راه‌حل دارد و روشن هم هست که باید آن را تعقیب کنیم.

برجام چه نیشـی زده کـه برخـی نمی‌توانند تحمل کنند

رئیس‌جمهور گفت: ما در یک شـرایط بسیار سخت کشور را اداره کردیم و من معتقدم دولت سیزدهم شـرایطش آسان‌تر خواهد بود. عده‌ای می‌نشینند و حرف می‌زنند که دولت نگاهش به آسـمان بود. عده‌ای می‌گویند که نگاهتان فقط به برجام بوده اسـت. مـن نمی‌دانم برجام چه نیشـی به اینها زده کـه نمی‌توانند آن را تحمل کنند. آیا در ایامی که برجام تعطیل شـده بود و ترامپ از آن بیرون رفت، ما دسـت روی دسـت گذاشـتیم؟ یک نفر نیامد این موضوع را بگوید و به دولت خسته نباشید بگوید که در تاریخ ایران از زمانـی که نفـت وارد بودجه شـده، برای بار اول کشـور ایران را بدون نفـت اداره کردید. یک نفر به پتروشـیمی، فـولاد و فراورده‌های نفتی و کسـانی که در این زمینه زحمت کشـیدند یک دست درد نکند نگفت. چرا بی‌انصافی می‌کنیم و حرف‌هـای اشـتباه می‌زنیـم و واقعیت‌ها را نمی‌گوییم.

روحانی گفـت: هیچ‌کس نگفـت که دولت جلوی فساد ایسـتاد. با دادگاه نمی‌شود با فساد جلوگیـری کرد بلکـه با شـفافیت می‌توان این کار را انجـام داد. این مـا بودیم که در این زمینه ایستادیم و جلوی فساد را گرفتیم اما هیچ‌کس از آن چیزی نگفت. ما سـامانه جامع تجارت را راه انداختیم که به صورت آنلاین نشان می‌دهد چه کسـی ارز گرفته، از کجا کالا خریده، کالایش الان کجاسـت، چه زمان به بندر می‌رسـد، چه زمان وارد انبار می‌شـود و چه زمانی به بازار می‌رسد. این کار عظیم دولت برای مبارزه با فسـاد است و اگـر کس دیگـری می‌تواند ادعا کنـد، ببینیم می‌تواند یا نه.

او بـا بیان اینکه در این مـدت باید با آرامش، امنیـت و همدلی قدرت را به دولت سـیزدهم منتقـل کنیم، عنوان کرد: من خوشـحال شـدم که دیـدم رئیس‌جمهور منتخب گفته اسـت ما به دنبال شایسته‌سـالاری هستیم و دنبال حزب و جناح نیسـتیم. خب الحمدالله، از نیمه مرداد مردم خواهند دید که دولتی با حضور معاونان و وزرایی معرفی خواهد شد که همه از یک جناح خاص نیسـتند. این بسیار خوب است و من کاملا از آن استقبال می‌کنم.

به عراقچی اختیار دهید تا تحریم تمام شود

او تأکید کرد: من اینجا به مردم اعلام می‌کنم کـه دولت جنگ اقتصادی را به پایان رسـانده و در سایه ایثار مردم و رهنمودهای رهبری، آمریکا را پـای میز مذاکره در وین کشـانده و حرف زده و مسـائل مهم را حل‌وفصل کرده اسـت و اگر بخواهند همین امـروز می‌توانیم تحریم را تمام کنیم. برویم اختیارات را به آقای عراقچی بدهیم که به وین برود و آنجا اعلام کند تا توافق شـود و تحریـم برداشـته شـود. حالا این وسـط یک پیچ‌وخم‌هایی وجـود دارد که نمی‌خواهم وارد آن بشوم و شور و شوقی را که این روزها در مردم وجود دارد، خراب کنم.